

<div><div>‏</div><div><div>پنجشنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۵</div><div>وطن‌امروز شماره ۴۶۴۹</div></div></div>	<div><div>‏</div><div><div>۲</div></div></div>
یادداشت	
<div><div>‏</div><div><div>از میدان جنگ تا میدان وحدت</div><div>پیام مصلی به جهان</div></div></div>	
<div><div>‏</div><div><div>چشم دنیا به ایران</div></div></div>	

تهران از ساعتی دیگر فقط پایتخت ایران اسلامی نخواهد بود، بلکه به قاب اصلی دوربین‌های جهان تبدیل می‌شود. از مصلای امام خمینی(ره) تا

خیابان‌های منتهی به محل تشییع امام شهید انقلاب اسلامی، میلیون‌ها چشم به تصویری دوخته خواهد شد که روایتی از ایران را مخابره کنند. آن هم در روزهایی که هنوز غبار جنگ رمضان از منطقه کنار نرفته و نگاه تحلیلگران خارجی به آینده ایران دوخته شده است، بنابراین هر قاب از این مراسم باشکوه می‌تواند پاسخی باشد به پرسشی که این روزها بارها در رسانه‌های جهان تکرار شده است: ایران پس از شهادت رهبر خود چگونه خواهد ایستاد؟

بدیهی است پاسخ این پرسش را مردمی خواهند داد که از شهرها و روستاهای مختلف راهی تهران می‌شوند تا در مراسم وداع و تشییع حضور یابند. اگر حضور گسترده و بالای ۲۰ میلیون مردم آنگونه که انتظار می‌رود رقم بخورد، پایتخت شاهد بزرگ‌ترین اجتماع تاریخ خواهد بود؛ اجتماعی که نمایش سرمایه اجتماعی، انسجام ملی و عزت ایرانی است. البته تاریخ در قرن بیستم، یک بار این صحنه را دیده است. ۱۶ خرداد ۶۸، زمانی که پیکر مطهر حضرت امام خمینی(ره) بر دوش میلیون‌ها (طبق برخی گزارش‌ها بالای ۱۱ میلیون نفر) ایرانی تشییع شد، بسیاری از رسانه‌ها و اتاق‌های فکر غرب چشم‌انداز روزهای پس از رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی بودند. تحلیل غالب آن روزها این بود که با پایان حیات ظاهری حضرت امام، انسجام سیاسی و اجتماعی ایران نیز دچار تزلزل خواهد شد اما آنچه در خیابان‌های تهران رخ داد، همه آن پیش‌بینی‌ها را در هم شکست.

از فرانکفورت تا پاریس، از لندن تا توکیو، تیتز نخست‌روزنامه‌ها تصویر «دریای انسان» بود. رسانه‌های آلمان از «صحنه‌هایی غیرقابل توصیف» نوشتند، تلویزیون‌های اروپا ساعت‌ها تصویر مراسم را به صورت زنده و ویژه پخش کردند، خبرگزاری فرانسه از استعمار حضور مردم حتی پس از پایان مراسم گزارش داد و روزنامه‌های انگلیس اعتراف کردند کسانی که تصور می‌کردند با رحلت امام خمینی، مسیر جمهوری اسلامی تغییر خواهد کرد، باید در تحلیل‌های خود تجدیدنظر کنند. آن روز، «تهران» به بزرگ‌ترین رسانه جمهوری اسلامی تبدیل شد و میلیون‌ها نفر، بی‌آنکه سخنی نگویند، تصویری از پیوند ملت و رهبر را به جهان نشان دادند.

امروز نیز شرایط، هرچند متفاوت اما از جهاتی یادآور همان مقطع تاریخی است. ایران جنگی سنگین را پشت سر گذاشته است. دشمن تلاش کرد با ترور، فشار نظامی و فکری روانی، تصور را به افکار عمومی القا کند که می‌توان میان مردم و نظام فاصله انداخت و انسجام ملی را دچار فرسایش کرد. طبیعی است در چنین فضای، رسانه‌های بین‌المللی در مراسم تشییع رهبر شهید انقلاب به دنبال نشانه‌هایی از وضعیت جامعه ایران خواهند بود.

به همین دلیل، اهمیت این مراسم را نباید تنها در بُعد احساسی آن جست‌وجو کرد. این در حالی است که در جهان امروز، تصاویر بیش از کلمات سخن می‌گویند. یک تصویر هوایی از خیابان‌های مملو از جمعیت، گاهی اثری به مراتب بیشتر از ده‌ها نشست خبری گزارش دیپلماتیک یا تحلیل سیاسی دارد. افکار عمومی جهان، کشورها را از قاب دوربین‌هایی که در چنین بزنگاهایی روشن می‌شوند، قضاوت می‌کند و تصویری از قدرت یا ضعف، انسجام یا گسست و امید یا ناامیدی ملت‌ها به دست می‌آورد.

از همین منظر، حضور مردم عزادار ایران اسلامی در این مراسم، تنها ادای احترام به مولا و مقتدای خویش نیست و به طور قطع تجلی یک سرمایه اجتماعی است؛ سرمایه‌ای که در سال‌های سخت تحریم، فشار، جنگ و بحران شکل گرفته و هر بار در بزنگاه‌های تاریخ خود را نشان داده است. پس این حضور، پیش از آنکه یک پیام داخلی باشد، پیامی برای بیرون از مرزهاست؛ اینکه ایران، با وجود همه فشارها و تهدیدها، همچنان بر پایه پیوند میان مردم، هویت دینی و استقلال ملی استوار است. بی‌تردید هر ایرانی‌ای که در این مراسم حضور پیدا می‌کند، بخشی از روایتی است که فرادی آن روز جزا جلد روزنامه‌های جهان خواهد نشست. هر قدم، هر پرچم، هر اشک و هر دعا، بخشی از تصویری خواهد بود که میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا آن را خواهند دید و بر اساس آن درباره ایران قضاوت خواهند کرد. درست همان‌گونه که تشییع تاریخی امام خمینی(ره) نه فقط در حافظه ایرانیان، بلکه در ارزشیو رسانه‌های جهان به عنوان بزرگ‌ترین اجتماع تاریخ تاکنون ثبت شد. شاید مهم‌ترین پیام مراسم پیش‌رو نیز همین باشد؛ اینکه قدرت یک کشور فقط در تجهیزات نظامی، توان موشکی یا ظرفیت اقتصادی آن خلاصه نمی‌شود. آنچه امنیت و اقتدار یک ملت را پایدار می‌کند، سرمایه اجتماعی و انسجام ملی است؛ همان عنصری که دشمنان همواره برای تضعیف آن برنامه‌ریزی و ملت‌ها در بزنگاه‌های حساس، آن را دویاره احیا و بازتعریف می‌کنند. بنابراین مصلای امام خمینی(ره) در ساعات آینده به بزرگ‌ترین رسانه ایران تبدیل خواهد شد؛ رسانه‌ای که بدون نیاز به ترجمه، بدون تیتز و بدون تحلیل، تنها با تصویر سخن می‌گوید. همان‌گونه که خرداد ۶۸، میلیون‌ها ایرانی با حضور خود همه معادلات سیاسی و رسانه‌ای را بر هم زدند، امروز نیز آنچه در تهران رقم خواهد خورد، می‌تواند روایت دیگری از ایران را در حافظه جهان ثبت کند؛ روایتی از ملتی که عزت، وفاداری، انسجام و پیوند خود با مرجع و ولی فقیه شهیدش را با حضور به نمایش می‌گذارد. در نهایت اینکه آنچه جهان از تهران خواهد دید، روایت دویاره ایران است.

فعالیت‌های اخیر گروهک‌های تجزیه‌طلب در راستای پروژه جدید فشار آمریکا علیه ایران انجام شده است

دوباره تجزیه؟



عمیق ترامپ نه فقط برای براندازی، بلکه برای فروپاشی تمامیت ارضی ایران بود؛ آرزویی که مشخصا عمق خصومت آمریکا و رژیم صهیونیستی را نه با جمهوری اسلامی، بلکه با ایران آشکار می‌کرد. اما این طرح عملی نشد؛ ضربات پیش‌دستانه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و البته گروه‌های محور مقاومت در عراق به مواضع گروهک‌های کرد تجزیه‌طلب در اقلیم کردستان عراق – جایی که این عناصر مترصد فرصت برای ورود به جنگ بودند – نقش تعیین‌کننده‌ای در خنثی‌سازی آن داشت.

عملیات‌های دقیق اطلاعاتی و نظامی ایران، لجستیک و پایگاه‌های آن گروهک‌ها را هدف قرار داد و مانع شکل‌گیری یک جبهه منسجم شد. گزارش‌های متعدد حاکی است حتی حمایت‌های اطلاعاتی رژیم صهیونی و ارسال تسلیحات از سوی آمریکا نیز نتوانست بر برتری عملیاتی نیروهای ایرانی غلبه کند. در نتیجه، کردهای تجزیه‌طلب عملا در طول جنگ ۴۰ روزه نتوانستند اقدام مؤثری انجام دهند و این ناکامی، یکی از نقاط ضعف جدی استراتژی جنگ ترکیبی غرب علیه ایران بود.

واقعیت آن است که بر خلاف انتظار آمریکا و رژیم، گروهک‌های تجزیه‌طلب در نهایت تصمیم گرفتند وارد جنگ علیه ایران نشوند. این تصمیم را می‌توان حاصل ۴ عامل مهم دانست. نخستین عامل به مساله انسجام ملی در داخل ایران بازمی‌گردد. مقدمه اصلی ورود این گروهک‌ها به جنگ، شکل‌گیری بی‌ثباتی داخلی، آشوب و شکاف اجتماعی در ایران بود. طراحی اولیه بر این فرض استوار بود که با آغاز حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی، بخش‌هایی از جامعه به سمت آشوب گسترده حرکت خواهند کرد و کشور با بحران داخلی مواجه خواهد شد اما آنچه در عمل رخ داد، متفاوت بود؛ حملات خارجی نه‌تنها به ایجاد شکاف گسترده منجر نشد، بلکه به تقویت اتحاد و انسجام ملی و همبستگی حول دفاع از کشور انجامید. در چنین شرایطی، گروهک‌هایی که تصور می‌کردند قرار است در فضایی آشفته و متزلزل وارد عمل شوند، با واقعیتی متفاوت مواجه شدند. آنها به‌خوبی می‌دانستند ورود مستقیم به جنگ در شرایط شکل‌گیری حساسیت گسترده نسبت به تمامیت ارضی کشور، می‌تواند واکنشی معکوس ایجاد کند و هرگونه امید به شکل‌گیری آشوب داخلی را از میان ببرد.

دلیل دوم به تجربه تاریخی کردها در تعامل با آمریکا بازمی‌گردد. در دهه‌های گذشته بارها گروه‌های کرد منطقه با وعده‌های مختلف آمریکا وارد همکاری شدند اما در مقاطع حساس خود را تنها دیدند. این سابقه باعث شده بود بی‌اعتمادی عمیقی نسبت به تعهدات واشنگتن وجود داشته باشد. سران گروهک‌های تروریست تجزیه‌طلب به‌خوبی می‌دانستند ورود به یک جنگ تمام‌عیار علیه ایران می‌تواند تلفات بسیار سنگینی بر آنها تحمیل کند، در حالی که هیچ تضمینی برای حمایت پایدار آمریکا وجود ندارد. عامل سوم، آمادگی نظامی ایران بود.



بازمی‌گشت. در دهه‌های گذشته بارها گروه‌های کرد منطقه با وعده‌های مختلف آمریکا وارد همکاری شدند اما در مقاطع حساس خود را تنها دیدند. این سابقه باعث شده بود بی‌اعتمادی عمیقی نسبت به تعهدات واشنگتن وجود داشته باشد. سران گروهک‌های تروریست تجزیه‌طلب به‌خوبی می‌دانستند ورود به یک جنگ تمام‌عیار علیه ایران می‌تواند تلفات بسیار سنگینی بر آنها تحمیل کند، در حالی که هیچ تضمینی برای حمایت پایدار آمریکا وجود ندارد. عامل سوم، آمادگی نظامی ایران بود.

بازمی‌گشت. در دهه‌های گذشته بارها گروه‌های کرد منطقه با وعده‌های مختلف آمریکا وارد همکاری شدند اما در مقاطع حساس خود را تنها دیدند. این سابقه باعث شده بود بی‌اعتمادی عمیقی نسبت به تعهدات واشنگتن وجود داشته باشد. سران گروهک‌های تروریست تجزیه‌طلب به‌خوبی می‌دانستند ورود به یک جنگ تمام‌عیار علیه ایران می‌تواند تلفات بسیار سنگینی بر آنها تحمیل کند، در حالی که هیچ تضمینی برای حمایت پایدار آمریکا وجود ندارد. عامل سوم، آمادگی نظامی ایران بود.

بازمی‌گشت. در دهه‌های گذشته بارها گروه‌های کرد منطقه با وعده‌های مختلف آمریکا وارد همکاری شدند اما در مقاطع حساس خود را تنها دیدند. این سابقه باعث شده بود بی‌اعتمادی عمیقی نسبت به تعهدات واشنگتن وجود داشته باشد. سران گروهک‌های تروریست تجزیه‌طلب به‌خوبی می‌دانستند ورود به یک جنگ تمام‌عیار علیه ایران می‌تواند تلفات بسیار سنگینی بر آنها تحمیل کند، در حالی که هیچ تضمینی برای حمایت پایدار آمریکا وجود ندارد. عامل سوم، آمادگی نظامی ایران بود.

بازمی‌گشت. در دهه‌های گذشته بارها گروه‌های کرد منطقه با وعده‌های مختلف آمریکا وارد همکاری شدند اما در مقاطع حساس خود را تنها دیدند. این سابقه باعث شده بود بی‌اعتمادی عمیقی نسبت به تعهدات واشنگتن وجود داشته باشد. سران گروهک‌های تروریست تجزیه‌طلب به‌خوبی می‌دانستند ورود به یک جنگ تمام‌عیار علیه ایران می‌تواند تلفات بسیار سنگینی بر آنها تحمیل کند، در حالی که هیچ تضمینی برای حمایت پایدار آمریکا وجود ندارد. عامل سوم، آمادگی نظامی ایران بود.

بازمی‌گشت. در دهه‌های گذشته بارها گروه‌های کرد منطقه با وعده‌های مختلف آمریکا وارد همکاری شدند اما در مقاطع حساس خود را تنها دیدند. این سابقه باعث شده بود بی‌اعتمادی عمیقی نسبت به تعهدات واشنگتن وجود داشته باشد. سران گروهک‌های تروریست تجزیه‌طلب به‌خوبی می‌دانستند ورود به یک جنگ تمام‌عیار علیه ایران می‌تواند تلفات بسیار سنگینی بر آنها تحمیل کند، در حالی که هیچ تضمینی برای حمایت پایدار آمریکا وجود ندارد. عامل سوم، آمادگی نظامی ایران بود.

بازمی‌گشت. در دهه‌های گذشته بارها گروه‌های کرد منطقه با وعده‌های مختلف آمریکا وارد همکاری شدند اما در مقاطع حساس خود را تنها دیدند. این سابقه باعث شده بود بی‌اعتمادی عمیقی نسبت به تعهدات واشنگتن وجود داشته باشد. سران گروهک‌های تروریست تجزیه‌طلب به‌خوبی می‌دانستند ورود به یک جنگ تمام‌عیار علیه ایران می‌تواند تلفات بسیار سنگینی بر آنها تحمیل کند، در حالی که هیچ تضمینی برای حمایت پایدار آمریکا وجود ندارد. عامل سوم، آمادگی نظامی ایران بود.

بازمی‌گشت. در دهه‌های گذشته بارها گروه‌های کرد منطقه با وعده‌های مختلف آمریکا وارد همکاری شدند اما در مقاطع حساس خود را تنها دیدند. این سابقه باعث شده بود بی‌اعتمادی عمیقی نسبت به تعهدات واشنگتن وجود داشته باشد. سران گروهک‌های تروریست تجزیه‌طلب به‌خوبی می‌دانستند ورود به یک جنگ تمام‌عیار علیه ایران می‌تواند تلفات بسیار سنگینی بر آنها تحمیل کند، در حالی که هیچ تضمینی برای حمایت پایدار آمریکا وجود ندارد. عامل سوم، آمادگی نظامی ایران بود.



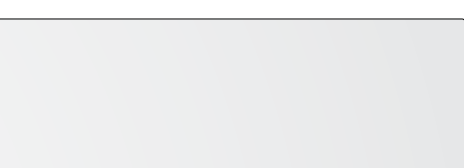
است سیا و موساد اکنون به دنبال بهره‌برداری از ظرفیت همین گروهک‌های تروریست به عنوان نقطه فشار جدید و غیرمستقیم علیه جمهوری اسلامی ایران هستند. این رویکرد، در شرایطی پیگیری می‌شود که مذاکرات دیپلماتیک شککننده بین تهران و واشنگتن جریان دارد و ایران در حال تثبیت موقعیت خود پس از پیروزی در میدان است.

در همین راستا، قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای، از انهدام کامل یک تیم ۶ نفره تروریست‌های تجزیه‌طلب در مناطق مرزی شمال غرب کشور خبر داد. طبق این اطلاعیه، رزمندگان قرارگاه حمزه با رصد اطلاعاتی دقیق، این تیم معاند را که برای انجام اقدامات خرابکارانه و تروریستی وارد مرزها شده بود، در ارتفاعات بین شهرستان‌های مهاباد و پیرانشهر به دام انداختند. درگیری با پشتیبانی آتش ادوات انجام و منجر به متلاشی شدن کامل تیم تروریستی شد و اجساد ۴ نفر از اشرار به همراه انواع سلاح و تجهیزات به دست نیروهای مسلح ایران افتاد.

در همین حال، روز گذشته شبکه تلویزیونی فاکس‌نیوز، رسانه نزدیک به دونالد ترامپ و یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های رسانه‌ای حامی سیاست‌های تهاجمی او علیه ایران، به‌موضوع درگیری‌های اخیر در مناطق مرزی شمال غرب ایران پرداخت و به‌فعال‌سازی دوباره گروهک‌های تجزیه‌طلب اذعان کرد. فاکس‌نیوز در گزارش خود با عنوان «موج حملات به سپاه پاسداران ایران، سؤالاتی درباره احیای شورش کردها ایجاد کرده است» اعلام کرد سپاه پاسداران با دور جدیدی از خشونت در غرب ایران مواجه شده و این وضعیت ممکن است نشانه ورود گروه‌های تجزیه‌طلب به فاز فعال تر باشد.

رسانه آمریکایی در ادامه گزارش خود به سابقه تاریخی مساله کردها در ایران اشاره کرد و با‌زبانی که تلاش دارد آن را «مبارزه برای حقوق (!)» جلوه دهد، از اتهامات همیشگی گروهک‌ها علیه ایران (سرکوب سیاسی و اعدام) سخن گفت. این رسانه به نقل از «جینو ویکتوریا دوانی» مسؤول روابط بین‌الملل سازمان به اصطلاح حقوق بشری هیوا عنوان کرد این درگیری‌ها ممکن است «تشدید» شود. دوانی همچنین نسبت به هرگونه تهاجمانه یا توافق بین ایران و آمریکا به‌شدت ابراز نگرانی کرد.

یکی از نکات برجسته و قابل تأمل گزارش فاکس‌نیوز این است که صراحتا اعلام می‌کند درگیری‌های اخیر نشان می‌دهد مناطق مرزی غرب ایران این‌گونه به «قطعه فشار جدید» علیه تهران تبدیل شده‌ا آن هم دقیقاً در زمانی که مذاکرات ایران و آمریکا در جریان است. این اذعان رسانه‌ای، بویژه از سوی فاکس‌نیوز که در جریان جنگ اخیر نقش بسزایی در توجیه و حمایت رسانه‌ای از سیاست‌های خصمانه ترامپ علیه تهران داشت، بسیار معنادار است.



گروه سیاسی: رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس تیم مذاکره‌کننده کشورمان، شامگاه ۹ تیر در گفت‌وگوی ویژه خبری، به تشریح آخرین روند اجرای تفاهمنامه اسلام‌آباد پرداخت. محمدباقر قالیباف شدیدترین جنگ دشمن علیه ایران را محاصره دریایی دانست و اظهار کرد: «در این جنگ مردم و نان آنها محاصره شده بود. با امضای تفاهمنامه این محاصره برداشته شد که خود یکی از موفقیت‌های بزرگ این تفاهمنامه بود». رئیس مجلس اعلام داد: «چیزی که الان در جبهه بین ما و آمریکا در حال رخ دادن است، این است که برای تحقق ماده ۱۳ یادداشت تفاهم، گفت‌وگو را با هماهنگی میانجیان دنبال می‌کنیم».

جنگ سوم تحمیلی و جبهه مقاومت
قالیباف جنگ اخیر را «جنگ سوم تحمیلی» خواند و بیان کرد: «جنگی وسیع و تمام‌عیار بود که در تمام نقاط ایران با آن درگیر بودیم؛ از زمینی و هوایی تا تهدیدات امنیتی؛ یعنی یک جنگ همه‌جانبه. همچنین جبهه مقاومت خود دارای گستردگی زیادی است؛ از یمن تا لبنان و عراق. لذا زمانی که جنگ به پایان می‌رسد؛ یعنی زمانی که آتش‌بس به پایان جنگ تبدیل می‌شود، حتما برای پیاده‌سازی آن اشکالات و اختلاف نظرهایی پیدا خواهد شد». رئیس تیم مذاکره‌کننده کشورمان با اشاره به آتش‌بس در لبنان گفت: «تعهدی که آمریکا در بند یک داده و پایان جنگ و توقف عملیات نظامی در لبنان بویژه جنوب آن را تضمین کرده، یک پیروزی بزرگ برای ماست». وی افزود: «ما در سرزمین خود کمتر با چنین مسائلی مواجهیم. تنش‌های ما گاهی به رخدادهایی در طول شب منجر می‌شود و گاهی نیز برخی تلاش می‌کنند بدون پذیرش ترتیبات مورد توافق با ایران، عبور و مرور در تنگه هرمز را انجام دهند. طبیعتا جمهوری اسلامی متعهد است عبور و مرور در تنگه هرمز حتما در چارچوب همان تفاهمنامه انجام شود».

واکنش به نقض توافق و آمادگی دفاعی
رئیس قوه مقننه در ادامه سخنان خود تأکید کرد: «اقداماتی که به نقض توافق منجر شود، از نظر ما قابل پذیرش نیست. اگر تردد در مسیر مستقیم تعیین شده باشد، هرگونه خروج از آن مسیر یا انجام اقدامی که به معنای پایان دادن به آتش‌بس یا نقض تفاهمنامه تلقی شود، مستندسازی خواهد شد و طرف مقابل نیز ممکن است واکنش متقابل نشان دهد». وی افزود: «وی آخرین نمونه را حمله چند شب پیش به مقرهای

■ **تلاش برای ایجاد نقطه فشار جدید از طریق گروهک‌های تروریست تجزیه‌طلب**

طرح چنین موضوعی توسط رسانه نزدیک به ترامپ، بیانگر این واقعیت است که نهادهای اطلاعاتی – جاسوسی آمریکا (سیا) و رژیم صهیونیستی (موساد) پس از شکست در بسیج گسترده گروهک‌های تجزیه‌طلب در جنگ مستقیم، اکنون به دنبال استفاده ابزاری و فشار غیرمستقیم از طریق همین گروهک‌ها هستند. هدف نیز ایجاد نامنی در مرزها، بر هم زدن تمرکز و توجه نیروهای مسلح از خطرات مستقیمی که از جانب آمریکا وجود دارد و ایجاد اهرم چانه‌زنی برای واشنگتن در مذاکرات است. رویکرد جدید، بلافاصله پس از ناکامی آمریکا و رژیم در استفاده از گروهک‌های کرد تجزیه‌طلب در جریان جنگ ۴۰ روزه اتفاق افتاده است. در جریان جنگ رمضان، انتظار می‌رفت با حمایت لجستیکی، تسلیحاتی و اطلاعاتی گسترده از سوی سیا و موساد، این گروهک‌ها از مرزهای غرب وارد خاک ایران شوند و جبهه‌ای زمینی باز کنند اما هویشاری نیروهای مسلح ایران و ضربات پیش‌دستانه، این طرح را ناکام گذاشت.

طبق روایت کتاب «تغییر رژیم؛ داخل ریاست جمهوری امپراتوری دونالد ترامپ» که اخیراً توسط «مگی هاربرن» و «جاناتان سوان» خبرنگاران نیویورک‌تایمز منتشر شده، یکی از برنامه‌های مشترک و کلیدی آمریکا و صهیونیست‌ها در زمان برنامه‌ریزی برای حمله به ایران، دقیقاً همین سناریو بوده است: سرازیر کردن گروهک‌های کرد تجزیه‌طلب از مرزهای غرب کشور به منظور ایجاد آشوب داخلی، پراکنده کردن قوای نیروهای مسلح و تسهیل مسیر برای عملیات اصلی آمریکا و رژیم که قرار بود پس از براندازی جمهوری اسلامی به تجزیه ایران ختم شود. کتاب به جزئیات ائتلاف گروهک‌های مخالف ایرانی از جمله پژاک و حزب دموکرات کردستان ایران اشاره دارد و توضیح می‌دهد اسرائیل از برنامه‌های شبه‌نظامیان کرد برای تصرف مناطق مرزی حمایت فعال داشته است. رئیس جمهور آمریکا نیز علنا حمایت خود را اعلام کرده بود.

شخص ترامپ در روزهای آغازین جنگ، از ورود گروهک‌های کرد تجزیه‌طلب به جنگ استقبال کرد و گفت حمله آنها عالی خواهد بود. او حتی اعتراف کرد آمریکا سلاح‌های بسیاری را در اختیار گروهک‌های کرد تروریست تجزیه‌طلب قرار داده است. این مواضع نشان‌دهنده عطف

توضیحات قالیباف درباره تفاهمنامه

مؤلفه‌های قدرت ایران قابل مذاکره نیست



آمریکا در بحرین و کویت عنوان کرد و افزود: «بخشی از این تحولات طبیعی است و نشان می‌دهد ما در عین پایبندی به تفاهمنامه، بر اجرای آن نیز اصرار داریم. به همین دلیل، هم مسیر گفت‌وگو را دنبال می‌کنیم و هم اگر طرف مقابل از اجرای تعهدات خود سسر باز زند، آمادگی لازم را برای پاسخ و واکنش متناسب داریم».

■ **۵ شرط اصلی و مذاکرات زوربخ**
قالیباف در بخش دیگری از سخنان خود اعلام کرد مذاکرات با هدف تحقق ۵ شرط اصلی تفاهمنامه با جدیت دنبال می‌شود. این شروط باید یا به صورت فوری اجرا شود یا روند اجرای آنها در بازه‌های زمانی تعیین‌شده آغاز شده باشد.

وی در مورد سفر به زوربخ هم گفت: «برخی تصور می‌کنند مذاکرات در واکنش به اقدامات اخیر آمریکا متوقف شده اما چنین برداشتی درست نیست. در حال حاضر ما وارد مرحله‌ای شده‌ایم که دیگر مذاکره به معنای چانه‌زنی بر سر مفاد توافق وجود ندارد. مذاکرات دربار مفاد توافق به پایان رسیده و اکنون در مرحله گفت‌وگو برای اجرای تعهدات قرار داریم».

رئیس مجلس شورای اسلامی افزود: «سفری که به زوربخ انجام شد نیز با هدف پیگیری اجرای ماده ۱۳ تفاهمنامه که برای جنگ نیز آماده باشد». وی افزود: «از حق غنی‌سازی و قدرت موشکی به هیچ‌وجه